



نشریه‌ای
برای آنان که
ندیشه‌ای پویا
دارند



در گفت و گو با حجت الاسلام دکتر بی ریا:

باید متناسب با ماهیت نامه، برنامه‌ریزی کرد

اشاره:

از شیوه رفتار و ادبیات او به خوبی می‌فهمی که اهل «مراقبه و محاسبه» است و شاید همین گرایش او موجب شد تا پایان نامه ارشد از دانشگاه مک‌گیل مونت رئال کانادا را «محاسبه و مراقبه از دیدگاه فیض کاشانی» انتخاب کند. سلوک سیاسی و اخلاقی‌اش، چتری از امنیت را بر سر طلاب و دانشجویان پرسش‌گر باز کرده است و به همین خاطر آنان به راحتی دغدغه‌های خود را با او در میان می‌گذارند و عملاً اخلاق محوری را در عرصه علم و سیاست تجربه می‌کنند. این امام جمعه سابق ایالت تگزاس آمریکا که دکترای «رهبری و مطالعات فرهنگی» را از دانشگاه هوستون دارد، مشاور ریاست جمهوری در امور روحانیت را در دولت نهم بر عهده داشته و مدتی نیز مسئول دفتر رییس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم بوده است. دکتر محمدناصر ستقای بی‌ریا، همه افتخار خود را حوزوی بودن، شاگردی آیت‌الله بهجت و علامه مصباح و نمایندگی تام‌الاختیاری مقام معظم رهبری در آمریکا در دوران سکونت خود در آن کشور می‌داند و چون دیگر شاگردان علامه همه را به ولایت‌مداری فرا می‌خواند، دیدار با این منظومه تجربه‌های گوناگون در عرصه‌های علمی، فرهنگی و سیاسی در داخل و خارج ما را بر آن داشت تا در دفتر کارش در مؤسسه امام خمینی (ره) حاضر شویم و پای سخنانش دربارہ نامه رهبری بنشینیم.

فرهنگ پویا: به اعتقاد جناب‌عالی هدف از نشر این نامه از سوی

مقام معظم رهبری چه بود؟

بی شک دین اسلام دین حقی است. خداوند متعال اسلام را برای هدایت بشر فرستاده است و اعتقادات اسلامی شفابخش بشریت است و می‌تواند انسان‌ها را به سعادت برساند. دین اسلام در بین ادیان دیگر حتی ادیان ابراهیمی، از استدلال و عقلانیت بالاتر و کامل‌تری برخوردار است و روش پیامبر و ائمه معصومین (ع) در دعوت به سوی خدا روش عقلانی می‌باشد. با این همه اما ما مشغول یک کارزار تمام عیار با دشمنانمان در دنیا آن هم در همه ابعاد می‌باشیم و این گونه نیست که عرصه، خالی از رقیب بوده و ما به راحتی بتوانیم بشریت را هدایت کنیم. قطعاً مشکلات فراوانی در این راه وجود دارد همان گونه که در زمان پیامبر خدا و ائمه معصومین (ع) نیز این مشکلات وجود داشته است. در همه زمان‌ها افراد باطلی بوده‌اند که داعیه‌دار هدایت می‌شدند، حتی بعضی از آنها به نام ائمه وارد می‌شدند و به گمراه کردن مردم می‌پرداختند. با توجه به این

نکته که پیروزی انقلاب اسلامی زمینه‌های رشد دینی جهانیان را فراهم کرده است، زمینه تبلیغ دین اسلام را در میان مردم دنیا فراهم‌تر کرده است. طبعاً رهبر معظم انقلاب، وظیفه هدایت همه مردم دنیا و نه فقط مردم ایران را متوجه خود می‌دانند. پیام اسلام پیامی جهانی است و در بین اقشار مختلف مردم دنیا، بهترین قشری که آمادگی پذیرش سخن حق را دارند، جوانان می‌باشند، چرا که اولاً؛ در ابتدای بلوغ، پرسش‌های اصلی در مورد دنیا و هدف آفرینش در ذهن همه جوانان مطرح می‌شود و این پرسش‌ها نیازمند پاسخی متقن و دقیق می‌باشند، ثانیاً؛ جوانان وابستگی حزبی و گروهی نداشته و تعلقات مادیشان کمتر است. طبع جوان، طبعی بکر و دست‌نخورده است، به همین خاطر است که این قشر، مخاطب نامه رهبری قرار گرفته‌اند.

فرهنگ پویا: چرا مقام معظم رهبری این نامه را در این برهه

زمانی نوشته‌اند؟

این پرسش می‌تواند پاسخ‌های مختلفی داشته باشد. می‌توان پیدایش و گسترش داعش و تلاش آنان برای ارائه نسخه‌ای بدلی از اسلام را یکی از دلایل نوشته شدن این نامه عنوان کرد. متأسفانه عملکرد بد این گروه تروریستی موجب مشوش شدن اذهان جهانیان نسبت به اسلام شده است تا آنجایی که بعد از صدور این نامه، برخی از مردم دنیا که تحت تاثیر تبلیغات و عملکرد داعش قرار گرفته‌اند، می‌گویند که شما جوانان غرب را به سوی چه چیزی دعوت می‌کنید؟ آیا به قتل و خونریزی و ترور و امثال آن دعوت می‌کنید؟ دشمنان اسلام نیز فرصت را غنیمت شمرده و با استفاده از رسانه‌های متعدد و قدرتمند خود، تبلیغات گسترده‌ای را بر ضد اسلام فراهم کرده‌اند. این نامه، هشدار جدی به جوانان بود تا گوش به حرف سردمداران و متولیان امورشان ندهند چرا که آنان، افراد صالحی نیستند. مقام معظم رهبری به جوانان می‌گویند که بروید اسلام را از راه خود اسلام و منابع اصیل آن جستجو کنید و با مطالعه دقیق، حقیقت آن را بشناسید.

فرهنگ پویا: آیا این نامه در بین مردم غرب وبه ویژه جوانان تاثیر گذار بوده است؟

نکته مهمی که در این نامه وجود دارد این است که باید ببینیم این پیام از چه سنجی است. آیا این پیام، یک پیام تبلیغاتی است؟ آیا یک پیام سیاسی است؟ یا یک پیام عقیدتی و فکری؟ واقعیت این است که این نامه در شبکه‌های اجتماعی بازتاب چندانی پیدا نکرد و طرفداری نیافت، یعنی میزان توجه به نامه حضرت آقا در شبکه‌های اجتماعی خیلی پایین بود و باید دید که دلیل آن چیست؟ شاید بتوان این گونه پاسخ داد که ماهیت این نامه با ماهیت شبکه‌های اجتماعی کاملاً متفاوت است. به دیگر سخن باید بگویم که فضاهای مختلفی وجود دارد که می‌توان از هر کدام آنها متناسب با آن فضا استفاده کرد. به نظر من این نامه، جنبه فکری دارد و باید در جایی مطرح شود که افراد و به ویژه جوانان تشنه مسائل عقیدتی و فکری باشند. این تشنگی را نمی‌توان در شبکه‌های اجتماعی جستجو کرد. البته ممکن است در بعضی از جلوه‌ها و قالب‌های شبکه‌های اجتماعی این اتفاق بیفتد، اما کافی نیست. محک شبکه‌های اجتماعی، در این مسئله است که افراد وقتی یک چیزی را دیده و خوششان بیاید، می‌نویسند: «پیام‌تان را دوست داشتیم». بنا نیست این نامه خود به خود به اصطلاح لایک بخورد. اگر همه جوانان دنیا هم بگویند این نامه را دوست داریم، این مسئله هدفی را تأمین نمی‌کند و به اصطلاح، آبی را برای ما گرم نمی‌کند. آن چه مهم است این که نامه حضرت آقا بتواند بیدارکننده انسان‌ها و رفع کننده تشنگی‌های جوانان باشد. در این صورت است که می‌توانیم بگویم این نامه تأثیرش را گذاشته است. ترویج این نامه در غرب و در بین جوانان کار آسانی نیست. پس یک نکته این است که ما باید ببینیم ماهیت این پیام چیست و چه سازوکاری دارد؟ در خود این نامه هم حضرت آقا فرمودند که شما بروید از منابع اصیل اسلام تحقیق کنید. همین مسئله،

تلاش فراوانی را می‌طلبد، چرا که اولاً باید پیام را به جوانان غربی برسانیم و بعد از آن، منابع اصیل اسلام را در دسترس آنها قرار بدهیم و در نهایت، آن را در قالب‌های متناسب ارائه دهیم. ما این زمینه‌ها را به وجود نیاوردیم و صرفاً نامه را در شبکه‌های اجتماعی قرار دادیم. این در حالی است که با توجه به مقتضیاتی که بر شبکه‌های اجتماعی حاکم است و با توجه به ماهیت نامه ابتدا قالب‌های متناسب را برایش پیدا کنیم و بعد از آن ببینیم که چه تمهیداتی لازم دارد. اگر جوانی به خود مقام معظم رهبری نامه‌ای بنویسد و بگوید: «من نامه شما را خواندم و خیلی مشتاقم که درباره اسلام از منابع اصلیش تحقیق کنم، بگویند چه کار کنم؟»، آیا ما آماده‌ایم تا خوراک لازم را به او بدهیم و یک سری کتاب مناسب به او معرفی کنیم و به او بگوییم برو بخوان؟ بعد از آن، چه کسی به پرسش‌های او پاسخ خواهد داد و شبهات او را رفع خواهد کرد؟ این گونه نیست که این نامه را مانند نامه‌های دیگر به شمار آورده و بگوییم خود این نامه می‌رود و تأثیر خودش را می‌گذارد و دیگر نیازی به همت و تلاش کسی نیست! این گونه نیست و ما باید با برنامه‌ریزی دقیق در جهت تبیین و ترویج این نامه بکوشیم.

فرهنگ پویا: به اعتقاد شما این برنامه‌ریزی بر عهده کیست؟

این مسئله‌ای دیگر است. بحث من این است که اگر هر کسی بخواهد این برنامه‌ریزی را انجام دهد، لازم است یک چنین گام‌هایی را بردارد. منظور من این است که در مورد این نامه باید جدی‌تر عمل کنیم و خیال نکنیم که خود این نامه بدون تلاش کسی، اثرش را می‌گذارد. این نامه یک نامه نسبتاً کوتاه و مؤثر است اما این گونه نیست که خود این نامه بتواند تأثیرش را بگذارد. اگر بخواهیم این نامه مؤثر واقع شود، باید تلاش خود را دوچندان کنیم. البته دشمن هم در این باره بیکار نمی‌نشیند همه تلاش خود را برای از بین بردن تأثیرات این نامه به کار می‌گیرد.

فرهنگ پویا: گفته‌اید که این نامه در شبکه‌های اجتماعی بازتاب چندانی پیدا نکرد و طرفداری نیافت و میزان توجه به نامه مقام معظم رهبری در شبکه‌های اجتماعی پایین بود. علت این مسئله را چه می‌دانید؟

هرچند این مسئله که گفته شد، یک واقعیت است و این نامه در شبکه‌های اجتماعی بازتاب چندانی پیدا نکرد، اما واقعیت مهم‌تر این است که انتظار تأثیر و بازتاب این نامه در شبکه‌های اجتماعی، به لحاظ ماهیت، انتظار درستی نبوده است. به عنوان مثال، اگر بخواهیم در دنیا یک نظریه را بیان کنیم، این مسئله باید در دانشگاه مطرح شود و با حضور در سمینارها و همایش‌های بین‌المللی و علمی مورد ارزیابی قرار گیرد. راهش این نیست که به شبکه‌های اینترنتی برویم و از آن راه بخواهیم نظریه علمی مورد نظر را ارائه کنیم. این نامه هم همین گونه است. فکر می‌کنم با آن ظرفیت بالایی که دارد باید به دنبال پیدا کردن راهکاری جهت تبیین و ترویج آن باشیم و ظرفیت‌های متناسبش را پیدا کنیم و از آن راه وارد شویم. ظرفیت این نامه بسیار فراتر از قرار گرفتن در شبکه‌های مجازی است.

اگر جوانی به خود مقام معظم رهبری نامه‌ای بنویسد و بگوید: «من نامه شما را خواندم و خیلی مشتاقم که درباره اسلام از منابع اصلیش تحقیق کنم، بگویند چه کار کنم؟»، آیا ما آماده‌ایم تا خوراک لازم را به او بدهیم و یک سری کتاب مناسب به او معرفی کنیم و به او بگوییم برو بخوان؟ بعد از آن، چه کسی به پرسش‌های او پاسخ خواهد داد و شبهات او را رفع خواهد کرد؟

ماهیت این نامه با ماهیت شبکه‌های اجتماعی سازگار نیست بلکه یک کار فکری است.

فرهنگ پویا: پس چگونه می‌توان این نامه را ترویج کرد؟ راهکار تبیین و نشر منویات این نامه چیست؟

باید در این زمینه تلاش کرد تا اگر کسانی قصد تحقیق در مورد اسلام را دارند، منابع متعدد و متقنی را در مورد اسلام آن هم به زبان انگلیسی و یا سایر زبان های روز آماده داشته باشیم تا بتوانیم پاسخگوی آنان باشیم. باید منابع ما آماده باشد و اتاق‌های گفتگویی برای این کار تهیه شود و از افرادی که پرسش یا شبهه‌ای دارند دعوت شود تا با آنان گفتگو شده و پاسخ خود را بیابند.

ما در کشورهای غربی مخصوصاً آمریکا شبکه مسلمان‌های انقلابی را داریم که می‌توان از ظرفیت‌های آن استفاده کرد. در آمریکا با کمک روحانیت انقلابی که در آنجا ساکن بودند و ما نسبت به آنان شناخت داشتیم، کنگره‌ای را به نام کنگره مسلمانان راه انداختیم که این کنگره، سالانه در ایالت‌های مختلف برگزار می‌شود و به طور متوسط ۱۵۰۰ نفر در این کنفرانس شرکت می‌کنند. سخنرانان این کنفرانس از امام‌وازمقام معظم رهبری سخن می‌گویند و جوانان نیز از این کنفرانس استقبال فراوان می‌کنند. سابقه برگزاری این کنفرانس به بعد از ۱۱ سپتامبر برمی‌گردد. آمریکایی‌ها بعد از این حادثه گفتند که می‌خواهیم برای مسلمانان آمریکا یک همایش تحت عنوان «امت» در واشنگتن برگزار کنیم. آنان در این همایش از مسلمانان به اصطلاح میانه‌رو دعوت کرده و در این مورد پول فراوانی نیز خرج می‌کنند. از خود بنده و بعضی دیگر از دوستان نیز دعوت کردند. پس از مشورت با افراد صاحب‌نظر، متوجه شدیم که اهداف آنان این بود که مسلمانان به ویژه شیعیان را در آمریکا کنترل کرده و کنترل فکری آنان را بر عهده بگیرند. به همین خاطر بنده و برخی از دوستان به این کنفرانس نرفتیم، ولی بعضی از آنانی که رفته بودند گفتند که سخنران اصلی یکی از این کنفرانس‌ها، ولفو و تیس طرح حمله به عراق بود که جزء نومحافظه‌کاران بوده و از نزدیکان جرج دبلیو بوش به شمار می‌آمد. این دوستان وقتی متوجه شدند که این شخص سخنران اصلی کنفرانس است، به عنوان اعتراض از جلسه بیرون آمدند. یکی دیگر از اتفاقاتی که در این کنفرانس افتاده بود، ثبت‌نام از جوانان شیعه برای استخدام در اف. بی. آی بود که اثر منفی فراوانی داشت. دوستان تصمیم گرفتند در برابر این کنفرانس، همایش مشابهی را ترتیب دهند و این کار انجام شد و موجب کاهش رونق «کنفرانس امت» شد. کنفرانسی که ما و دوستان برگزار کرده بودیم و امسال نیز نهمین یا دهمین نوبت برگزاری آن بود، بسیار مورد استقبال مردم قرار گرفت. همین همایش یک ظرفیت بالایی است که می‌توان از آن برای بسیاری از کارها به ویژه تبیین و ترویج نامه رهبری بهره برد. حداقل چندین هزار تن از جوانان انقلابی عضو این کنگره هستند و نامه مقام معظم رهبری را می‌توان به وسیله آنان که با سایر جوانان آمریکایی و اروپایی در ارتباط هستند، ترویج کرد. ما می‌توانیم با یک برنامه‌ریزی دقیق، از جوانان مسلمانی که در کشورهای دیگری هستند برای ترویج این نامه استفاده کنیم. این جوانان می‌توانند به دبیرستان‌ها بروند و یا حتی از ظرفیت دانشگاه‌ها برای ترویج این نامه استفاده کنند. آنان می‌توانند گروه‌های دانشجویی در دانشگاه‌ها به وجود بیاورند و با برگزاری کنفرانس علمی، این گروه‌ها را فعال کنند. به اعتقاد بنده، بهترین کانال برای نشر و گسترش نامه مقام معظم رهبری، همین راه است و نه شبکه‌های اجتماعی! بعد از این که این کانال فعال شد و یک نهضت بزرگ جهت نشر این نامه به راه افتاد، آن وقت همین جوانان می‌توانند اتاق‌های گفتگویی را راه اندازی کنند و آن را در شبکه‌های اجتماعی باز نشر دهند. بنابراین باید بر روی نامه کار شود و نباید دست

روی دست بگذاریم و بگوییم که نامه‌ای نوشته شده و تمام! این نوع نگاه، نگاه درستی نیست و باید برای نشر این نامه تلاش کرده و با برنامه ریزی درست در جهت ترویج و تبیین آن بکوشیم.

فرهنگ پویا: پس می‌توان نتیجه گرفت نامه‌ای که حضرت آقا

نوشته‌اند از جنس نامه است نه از جنس دنیای رسانه امروز، و این نامه باید به صورت مهندسی چهره به چهره انتشار یابد. غربی‌ها با تبلیغات رسانه‌ای قوی خود، چهره بدی را از اسلام به نمایش گذاشته‌اند. در شبکه‌های اجتماعی صدها کلیپ وجود دارد که مربوط به سر بریدن‌ها و اعدام‌ها و سایر وحشی‌گری‌های داعشی‌ها است. خب! این مسئله چهره بدی را از اسلام ترسیم کرده است. این فیلم‌ها در شبکه‌های اجتماعی موجود است و در رسانه‌های غربی فعال است. نامه مقام معظم رهبری به مثابه فرستادن نوری در این تاریکی بود. البته همان گونه که گفتیم ما نسبت به آنان از نظر رسانه‌ای و ارتباطات مجازی و امکانات فضای مجازی ضعیف تر هستیم و همان گونه که اخیراً مقام معظم رهبری فرمودند باید در این زمینه از حالت انفعال خارج شده و فعال گردیم. متأسفانه الان ما در حال انفعال هستیم و یکی از نشانه‌های انفعال ما این است که نمی‌توانیم در برابر بایکوت خبری نامه رهبری توسط غربی‌ها، کار خاصی انجام دهیم. یکی از شگردهایی که آنان مدت‌هاست دنبال می‌کنند این است که تا آنجایی که بتوانند صحبت‌های آقا و نام و تصویر ایشان را سانسور می‌کنند. در مورد این نامه نیز تا بتوانند از بخش آن جلوگیری می‌کنند. کار ما در این زمینه سخت است و باید عاقلانه با آن برخورد کنیم.

فرهنگ پویا: یعنی باید جوان را برای لحظه‌ای، از فضای تبلیغاتی شبکه‌های اجتماعی خارج کنیم تا فطرتش بیدار شود و به عنوان یک آدم آزاداندیش احساس کند که رهبری او را دعوت به آزاداندیشی کرده است.

بله! باید چهره به چهره به سراغشان برویم و با آنان ارتباط مستقیم داشته باشیم.

فرهنگ پویا: همان گونه که می‌دانید نامه حضرت آقا خطاب

به جوانان غرب یعنی جوانان اروپا و آمریکاست. در همین اروپا و آمریکا جوانانی از نژادها و مذاهب گوناگون وجود دارند؛ هم در آنجا بودایی زندگی می‌کنند و هم طرفداران عرفان‌های کاذب. این جوانان خودشان زهر دنیای غرب را چشیده‌اند و نامه حضرت آقا می‌تواند وجدان عمومی هر کدام از این اقشار جامعه را بیدار کند. جناب‌عالی به عنوان کسی که سال‌ها در آمریکا فعالیت تبلیغی داشته‌اید، احساس می‌کنید این نامه بیشتر روی کدام یک از ساکنان اروپا و آمریکا تأثیر دارد و کدام یک از این نژادها و مذاهب زمینه بهتری را برای پذیرش این نامه دارند؟

ما باید زمینه را برای این کار به وجود آوریم. کار، کار سختی است چرا که مردم ساکن در این گونه کشورها به ویژه مردم آمریکا تحت تأثیر حاکمان خود هستند و سبک زندگی آنها به صورت نامرئی، طراحی و کنترل شده است و خودشان هم نمی‌دانند که تحت کنترل هستند و مدیریت می‌شوند. واقعیت این است که فرهنگ فردگرایی در این افراد رسوخ پیدا کرده و بیشتر از هر چیزی به فکر جیب، پول و خانواده خودشان هستند. البته این به معنای توجه ویژه آنان به خانواده نیست، بلکه خانواده در آنجا حالت شکننده‌ای دارد و این طور نیست که آنان مثل یک مسلمان برای حفظ خانواده خودشان فداکاری و آن را حفظ کنند. البته متأسفانه خانواده‌های ما در حال دچار شدن به همین آسیب می‌باشند و غربی‌ها



تأخوری بر ضد سرمایه‌داری فعالیت می‌کنند، ولی با این حال توان جمع کردن مردم و همراه کردن افکار عمومی را ندارند. یکی از مسائلی که در آمریکا طبیعی است و تعارف پذیر نیست، مدیریت آدم‌هاست. از آنجایی که این کشور از اول ماهیت مهاجرپذیری داشته و در آنجا افراد گوناگون از کشورهای مختلف حضور دارند، آمریکایی‌ها توانسته‌اند همه را تحت تأثیر فرهنگ عمومی خود قرار داده و آنان را اداره کنند. گرچه آنهایی که در آمریکا ساکن هستند، از یک سری امتیازات و امکانات برخوردار می‌باشند، ولی این ظاهر ماجراست و همگی آنان در واقع پادویی بانک‌های آمریکا را انجام می‌دهند چون همه آنان زیر بار قرض هستند. مثلاً اگر کسی آنجا یک خانه به قیمت ۱۰۰ هزار دلار بخرد، باید تا ۳۰ سال قسطش را بدهد، یعنی به اندازه عمر مفید یک کارمند! در ظاهر، این شخص خانه دارد، اتومبیل دارد، ولی در حقیقت عبد زر خرید بانک است! من بادم هست یکی از دوستان اتومبیلی خریده بود و تلفن منزل بنده را به بانک داده بود. وقتی قسطش عقب افتاده بود، از طرف بانک به منزل ما زنگ زدند و گفتند چرا فلانی قسط بانک را نداده است؟! اتومبیل بانک کجاست؟! این یعنی آن که تا زمانی که تمام قسط‌هایش پرداخته نشود، این اتومبیل متعلق به بانک است! این شخص باید تا پایان عمر کار بکند و قسط بدهد. این سیستم یعنی کنترل نامحسوس، در آمریکا وجود دارد. بنابراین، این تصور که اگر یک روحانی با لباس روحانیت به آنجا برود آنان فوراً مشتاق این لباس و اسلام می‌شوند، یک تصور اشتباه است. من خودم این تصور را داشتم ولی وقتی از نزدیک با فضای آنجا آشنا شدم، متوجه شدم فضای آنجا متفاوت تر از آنی است که فکر می‌کردم. در این مورد مثالی برایتان می‌زنم: ما هر سال روز قدس را در آنجا برگزار می‌کردیم. یک سال خیلی باشکوه برگزار شد و تمام مسلمانان اعم از شیعه و سنی دعوت شدند و جمعیت خوبی هم آمدند. حتی خود آمریکایی‌ها هم آمده بودند. در میان این جمعیت، دو یا

تلاش می‌کنند تا خانواده‌های ما هم مانند آنان، شکننده شوند. در هر حال، فردگرایی به معنای واقعی خودش چنان در مردم مغرب زمین رسوخ یافته است که فرد به فکر منافع شخصی خودش است، حتی به فکر منافع ملی خودش نیست چه برسد به منافع بین‌المللی و مردم دنیا! مشهور است که اگر یک آمریکایی بنزین ماشینش کامل باشد، تفریحات آخر هفته‌اش برقرار باشد و بتواند قسط‌های مربوط به خانه و ماشین و قایق و امثال این‌ها را پرداخت کند، دیگر کار به کار کسی ندارد و برای او فرقی نمی‌کند که دنیا را سیل ببرد یا آن که دولت آمریکا همه دنیا را به خاک و خون بکشد! آن چه برایش اهمیت بیشتری دارد این است که بنزین ماشینش پر باشد و تفریحات آخر هفته‌اش هم برقرار باشد قسطش را هم بتواند بدهد، شغلش برقرار باشد و پول توی جیبش باشد! من خودم موارد زیادی را دیده‌ام که افرادی در آن جا بی‌خانمان هستند. خیلی از این افراد تا دیروز شاغل بودند، اما ناگهان شغلشان را از دست می‌دهند و نمی‌توانند قسط خانه و اتومبیلشان را بپردازند، به همین خاطر همه چیزشان را از دست می‌دهند.

رسانه‌های آمریکایی یک شبکه بسیار قوی و با برنامه‌ای می‌باشند که تمام مسائل را رصد می‌کنند و کنترل افکار را در دست دارند. این شبکه قوی، هر کاری دوست داشته باشد انجام می‌دهد و افکار عمومی را در کنترل خود دارد. به عنوان نمونه، هر سال در سالگرد اشغال لانه جاسوسی، برنامه چند دقیقه‌ای را منتشر کرده و کلیبی را تهیه می‌کنند و آن را به نفع خود زنده نگه می‌دارند. مردم آمریکا خیلی اهل تحلیل و تفسیر اخبار نیستند و هر صبح وقتی تلویزیون را روشن می‌کنند و به اخبار گوش می‌دهند، همان را به عنوان قالب می‌پذیرند و دیگر آن را تحلیل نمی‌کنند. البته این جمله معنایش این نیست که در آنجا انسان متفکر وجود ندارد، بلکه ما راجع به عموم مردم آمریکا صحبت می‌کنیم.

فرهنگ پویا: کسی که آمریکا و اروپا را ندیده است، اما از یک طرف، جنبش ۹۹ درصدی را می‌بیند که حضرت آقا خودشان فرمودند یک چیز عجیبی بود. از این طرف خروش سیاه پوست‌ها را می‌بینیم و از طرف دیگر، جنبش سرخ‌پوست‌ها را. آیا در فردگرایی برای ما فرصت هست یا نه؟ در فردگرایی فرصت برای ما نیست.

فرهنگ پویا: به قول شما آن کسی که بی‌خانمان می‌شود، وجدان عمومی‌اش نسبت به این قضیه بیدار نمی‌شود. این گونه نیست که شما فکر می‌کنید، چون این‌ها شبکه نیست بلکه هر کدام از این‌ها یک سلول است، یعنی همین آدم‌های محرومی که این جنبش ۹۹ درصدی را ایجاد می‌کنند، نمی‌توانند با هم یکی شده و با هم، هم کلام شوند، چون عاملی که بتواند آنان را دور هم جمع کند وجود ندارد و به اصطلاح، حرکتشان موسمی است. تنها کسانی که در آنجا کمی فعال هستند، احزاب سوسیالیست هستند. آنها هم ضعیفند ولی

ما در کشورهای غربی مخصوصاً آمریکا شبکه مسلمان‌های انقلابی را داریم که می‌توان از ظرفیت‌های آن استفاده کرد. در آمریکا با کمک روحانیت انقلابی که در آنجا ساکن بودند و ما نسبت به آنان شناخت داشتیم، کنگره‌ای را به نام کنگره مسلمانان راه انداختیم که این کنگره، سالانه در ایالت‌های مختلف برگزار می‌شود و به طور متوسط ۱۵۰۰ نفر در این کنفرانس شرکت می‌کنند.

نمی‌خواهم سخن ناامید کننده بگویم اما باید بگویم که خوش خیالی هم خوب نیست! اگر فکر کنیم سخنرانی یا نامه رهبری خود به خود در جهان پخش شده و جای خودش را باز خواهد کرد، این خیال، خیال باطلی است. آنها به راحتی سخنان ایشان را بایکوت می‌کنند و نمی‌گذارند حرف‌های آقا به مردم غرب برسد. ما به عنوان کسانی که می‌خواهیم این نامه را به سرانجام خودش برسانیم، باید ملزوماتش را فراهم کنیم و از همه امکانات بهره بگیریم.

سه نفر یهودی نیز آمده بودند و پلاکاردی همراه داشته و روی آن نوشته بودند که: «ما طرفدار اسرائیل هستیم». در هنگامه برگزاری مراسم روز قدس، فیلمبرداران یکی از شبکه‌های تلویزیونی آمدند. از دیدن آنها خیلی خوشحال شدیم و گفتیم که این مراسم باشکوه، پوشش خبری هم داده می‌شود. اما وقتی گزارش این خبرنگاران و فیلمبرداران را در تلویزیون دیدیم، به اشتباه خود پی بردیم چرا که آنان فقط سخنران ما را نشان دادند و آن همه جمعیت را نشان ندادند، ولی حضور آن دو یا سه نفر یهودی را نشان دادند و اعلام کردند که در کنار مخالفین اسرائیل، عده‌ای هم به طرفداری از اسرائیل آمده بودند! این یعنی آن که در آنجا همه چیز کاملاً تحت کنترل است.

فرهنگ پویا: چگونه باید این فضا را شکست؟

آنجا باید کار کرد. خیال نکنیم که بدون تلاش و کوشش می‌توان اسلام را در همه جا گسترش داد. باید چهره به چهره کار کرد؛ چه در مساجد، چه در مدارس و چه در کلیساها. باید برنامه‌ریزی کرد و در همه جا حضور داشت. متأسفانه ما نسبت به آنها خیلی عقیمیم. واقعا ما چند کتاب داریم که خوب نوشته شده باشد و بتواند یک مخاطب انگلیسی زبان را با سبکی که با آن آشنا هست مخاطب قرار بدهد؟ باید بدون تعارف بگویم که این ابزارها را نداریم. حتی خوراک کافی برای مردم مسلمانی که در کشورهای غربی زندگی می‌کنند نیز نداریم. ما توانستیم فرزندان که در خانواده‌های مسلمان آنجا به دنیا می‌آیند را به درستی تغذیه کنیم تا مانند غربی‌ها رشد نکرده و با فرهنگ اسلامی آشنا شوند.

فرهنگ پویا: با این نکاتی که شما گفتید، پس باید نسبت به آمریکا ناامید بود و گفت که در آنجا امیدی برای دعوت به اسلام وجود ندارد. اگر این گونه باشد، پس مسئله فطرت انسان‌ها چه می‌شود؟

من که نمی‌خواهم بی‌جهت به شما دلخوشی بدهم! واقعیت این است که فطرتی که شما می‌گویید زیر چندین لایه پوشیده شده است و اگر بخواهید به آن فطرت دست پیدا کنید، باید تلاش بکنید تا بتوانید به آن دست پیدا کنید. باید سراغ مردم بروید و با تهیه ابزار قوی، آن فطرتی که در لایه‌های گوناگون پیچیده شده است را پیدا کنید. آنان اکنون در تکنولوژی رسانه‌ای و فضای مجازی دست بالا دارند و از ما مجهزترند.

فرهنگ پویا: و جریان روشنفکری‌شان را در اختیار دارند...

دقیقا! غربی‌ها از ابزاری که در اختیار دارند به خوبی استفاده می‌کنند، اما آیا ما هم این گونه هستیم؟ به عنوان مثال باید به همین مسئله رشد جمعیت که حضرت آقا چندین بار فرمودند که ما باید به سمت افزایش جمعیت برویم، اشاره کنم. چند سازمان بین‌المللی مثل سازمان حقوق بشر، فایل مستندی را درست کردند که مستند به اظهارات برخی از مقامات ایرانی بود. این فایل، بسیار دقیق و حرفه‌ای تنظیم شده است. این اقدام از زمانی آغاز شد که مقام معظم رهبری بر افزایش جمعیت و جلوگیری از کاهش آن تأکید کرده بودند. آنان با استخدام پژوهشگران زیر دست و خیره، دقیقا هم زمان با تأکیدات رهبری این فایل را آماده کرده و پخش کردند تا بلکه به زعم خود، فرمایشات حضرت آقا را تحت الشعاع قرار دهند. یا مثلاً شبکه‌های فارسی زبان را راه اندازی کرده‌اند که از نظر فنی، تکنیکی و هنری واقعا مثال زدنی هستند. آنان از همه فنون روز دنیا استفاده می‌کنند تا بلکه برنامه‌های جذاب درست کنند، آن وقت صدا و سیما ما چقدر در این زمینه موفق است؟

فرهنگ پویا: تفاوت ما با آنها در همین نکته است. تهیه کننده‌های آنها تاجرند ولی تهیه کننده‌های ما... .

یک وقتی خدمت گروهی از برادران صدا و سیما بودم. به آنها گفتم: شما این دوربین را می‌گذارید و یک سخنرانی را ضبط می‌کنید و پخش می‌کنید. این کار چه ارزش و جاذبه‌ای دارد؟ اگر جاذبه‌ای داشته باشد، متعلق به آن سخنران است، ولی شما کاری نکردید بلکه یک دوربین آنجا گذاشتید و فیلم را ضبط و پخش کردید. معلوم است اگر کار بکنید نتیجه هم می‌گیرید. یکی از آفت‌هایی که ما در کارهای فکری و فرهنگی داریم، خوش خیالی است یعنی ما فکر می‌کنیم همین که ما حرف حق داریم این حرف خود به خود در میان جوامع جای خود را خواهد یافت. این تصور، تصور اشتباهی است. باید کار کرد و تلاش بیشتری را کرد تا بلکه حق جای خودش را پیدا کند. این، دقیقا مانند جنگیدن در میدان نبرد با دشمن است. در این میدان اگر سربازی را به کارزار می‌فرستیم و به او می‌گوییم: پیشرفت کن، جلو برو، فتح کن، این سرباز باید به تدریج این مین‌ها را خنثی کند تا بتواند راه را باز کند و نیروهای دیگر بیایند و میدان را فتح کنند. اگر سرباز این کار را انجام ندهد، قطعا شکست خواهیم خورد. این که بگویم این سرباز شهادت طلب است و این نیروها، نیروهای الهی هستند، پیروزی محقق نخواهد شد، قرآن هم می‌فرماید اگر بیست نیروی صابر داشته باشید بر دویست نفر دشمن پیروز می‌شوید پس صبر و استقامت و تلاش نیز لازم است. باید همه ترفندهای دشمن را خنثی کنیم تا بتوانیم پیروز شویم. ما اکنون داریم در یک فضای نابرابر با دشمن می‌جنگیم. آنها همه امکانات را در اختیار داشته‌اند و از آن استفاده می‌کنند. به عنوان نمونه، باید به علم ارتباطات اشاره کنم که فقط چند سالی است که در دانشگاه‌های کشور ما تدریس می‌شود در حالی که آنها سال‌های سال است که با این علم سر و کار دارند و به همین دلیل در زمینه رسانه از ما سرتراشند. نمی‌خواهم سخن ناامید کننده بگویم اما باید بگویم که خوش خیالی هم خوب نیست! اگر فکر کنیم سخنرانی یا نامه رهبری خود به خود در جهان پخش شده و جای خودش را باز خواهد کرد، این خیال، خیال خامی است. آنها به راحتی سخنان ایشان را بایکوت می‌کنند و نمی‌گذارند حرف‌های آقا به مردم غرب برسد. ما به عنوان کسانی که می‌خواهیم این نامه را به سرانجام خودش برسانیم، باید ملزوماتش را فراهم کنیم و از همه امکانات بهره بگیریم. ما

شبکه‌هایی در دنیا و در جمهوری اسلامی داریم که به عنوان نقطه امید به شمار می‌آیند. یکی از این شبکه‌ها همان شبکه مسلمانانی هستند که در خارج از کشور زندگی می‌کنند. اکثر این افراد در آمریکا و انگلیس و کشورهای دیگر هستند و هر از چند گاهی کنفرانس برگزار می‌کنند. خود این اجتماع یک فرصت است که می‌تواند تأثیرگذار می‌باشد. یا مثلاً باید به جامعه‌المصطفی اشاره کنم که ظرفیت بالایی برای ترویج این نامه به شمار می‌آید. باید سراغ طلبه‌های جامعه‌المصطفی برویم و ابتدا آنان را نسبت به این نامه توجیه کنیم و سپس ابزار لازم را در اختیارشان قرار دهیم و بعد آنان را به دبیرستان‌ها و دانشگاه‌های کشورهای خودشان بفرستیم تا به سراغ جوانان مسیحی رفته و آنان را از مفهوم نامه رهبری آگاه سازند. به این صورت است که ما می‌توانیم قدم‌های مهمی را برداریم. باید از تمام ظرفیت‌های موجود در کشور و خارج از کشور بهره بگیریم. باید پرسید که وظیفه سازمان فرهنگ و ارتباطات نسبت به این نامه چیست؟ آیا دستگاه دیپلماسی ما در این مورد وظیفه‌ای دارد یا خیر؟ در این میان وظیفه جامعه‌المصطفی چیست؟ واقعاً امکانات بالقوه فراوانی داریم که متأسفانه از این امکانات استفاده مطلوب نمی‌کنیم.

فرهنگ پویا: اگر حضرت آقا احتمال می‌دادند که نوشتن این نامه تأثیری ندارد، قطعاً این نامه را نمی‌نوشتند. ایشان یقیناً در دنیای غرب پتانسیل‌ها و روزنه‌هایی را دیده‌اند که این نامه را نوشتند.

بنده هم منکر این نیستیم. واقعاً این نامه یک شاهکار است. ادبیات آن خیلی حساب شده است، کوتاه اما بسیار پرمحتوا. با این حال توجه داشته باشید که وقتی رسول خدا(ص) در روز عید غدیر، امیرالمؤمنین(ع) را به جانشینی خودشان نصب کردند، یکی از تأکیدات ایشان این بود که آن کسی که شاهد است این واقعه را به شخص غایب برساند و برای او بازگو کند. این یعنی آن که باید پیام را انتقال داد و به گوش دیگران رساند. حضرت آقا وظیفه‌اش این است که رهنمود بدهند و راهبرد ارائه کنند. این وظیفه ما است که این پیام را به دیگران برسانیم. این نامه یک راهبرد است و باید هر کسی که در این زمینه کاری از دستش بر می‌آید، در جهت گسترش این پیام بکوشد. اما متأسفانه باید بگویم که ما کم‌کاری می‌کنیم و به درستی وظیفه‌مان را انجام نمی‌دهیم.

فرهنگ پویا: این که خارجی‌ها نامه آقا را بایکوت کرده و از انتشار آن جلوگیری می‌کنند، یک امر طبیعی است و از آنان غیر از این، انتظار نمی‌رود. اما پرسش این است که چرا رسانه‌های داخلی به این نامه نپرداخته و آن را در حاشیه قرار دادند؟

هیچ اتفاقی نیفتاده و باید بیفتد. باید یک اقدام بشود با اتفاق افتادن کار درست نمی‌شود باید با برنامه‌ریزی و حساب شده عمل کرد. گرچه این کار، کار سختی است، اما کار سخت را هم باید انجام داد. در جبهه جنگ، چهار عملیات انجام می‌شد دوتای آن باشکست مواجه می‌شد و دوتایش نیز با پیروزی خاتمه می‌افتاد. حضرت امیر(ع) در نهج‌البلاغه می‌فرماید: در زمان رسول خدا ما با دشمن، مثل دو قوچ جنگی می‌جنگیدیم و درگیر می‌شدیم و هر کدام از ما می‌خواست کاسه مرگ را به طرف مقابلش بچشاند، گاهی ما شکست می‌خوردیم و گاهی آنها شکست می‌خوردند. وقتی خداوند تلاش ما را دید پیروزی را نصیبمان کرد. این یعنی این که

مبارزه ما با دشمنان، یک میدان درگیری است، یک میدان راحت نیست. در مورد نامه هم همین گونه است. این گونه نیست که بگوییم نامه را در واتس‌آپ می‌گذاریم و خودش انتشار پیدا می‌کند. خیر! این گونه نیست بلکه راه و رسم خود را دارد. بالاخره یک میدانی وجود دارد و این میدان تمهیداتی می‌خواهد. شما باید مخاطب را بشناسید و بعد راهکارهایش را دانسته تناسب‌ها را بسنجید و ببینید چه اقدامی و با چه تناسبی باید انجام شود؟ واقعاً کار ساده‌ای نیست. شما فرض کنید مثلاً ۱۰۰ هزار جوان بیابند و بگویند: نامه به ما رسید و فطرتان هم بیدار شد، آیا واقعاً ما یک کار خوب و مناسبی داریم که به آنها بدهیم تا پاسخ پرسش‌های خود را بیابند؟ این موضوع را حتی با بعضی دست‌اندرکاران در میان گذاشتم و به آنها گفتم که شما حداقل در سایت خود آقا، یک بخشی را راه اندازی کنید برای آنها. اینی که به فکر افتادند در مورد نامه مقام معظم رهبری تحقیق کنند. یک بخشی برای این نامه اختصاص بدهید که کسانی که می‌خواهند درباره اسلام تحقیق کنند به آنجا مراجعه کنند. شما خودتان را جای یک جوانی بگذارید که نامه آقا به دستش رسیده و مشتاق شده است تا در مورد آن تحقیق کند. اولین جایی که مراجعه می‌کند به سایت ایشان است.

الان سایت‌های خیلی خوبی در اینترنت وجود دارد که آموزه‌های شیعه را معرفی می‌کند. به عنوان مثال باید به کتابخانه اهل‌البیت اشاره کنم که کتابخانه خیلی خوبی است و آثار حضرت امام و شهیدمطهری و سایر متفکرین اسلامی در آن موجود است. ولی آن جوان باید لینک بشود باید در این مورد برنامه‌ریزی کنیم تا دسترسی جوانی که پرسش دارد به این گونه سایت‌ها فراهم شود. این‌ها دیگر کمبودهای خودمان است. اگر قصد داریم کار اساسی انجام دهیم و نتیجه هم بگیریم، باید سرمایه‌گذاری کنیم و با برنامه‌ریزی عمل کنیم. البته نسبت به گذشته اقدامات خوبی شده است ولی باید بیش از این کار کنیم. آن زمانی که از آمریکا به ایران آمدیم به آقای محمدی‌عراقی که در دفتر آقا بود گفتیم یکی از کارهای بسیار خوبی که می‌شود انجام داد این است که سخنرانی ایشان را بلافاصله به انگلیسی ترجمه کنیم و بروی سایت قرار دهیم. این، یکی از کارهای مفید و مهم برای رساندن سخنان ایشان به جهانیان است. خوشبختانه اکنون این کار انجام می‌شود.

فرهنگ پویا: نسل جوان غربی هنوز برای ما مسئله نشده است ولی برای حضرت آقا مسئله شده است.

متأسفانه راهش را هم بلد نیستیم. این شبکه‌ها و ظرفیت‌هایی که وجود دارد، بزرگ‌ترین سرمایه‌هایی هستند که می‌شود از آنها استفاده کرد. باید این شبکه‌ها و ظرفیت‌ها را شناسایی کرد و از آنها بهره برد. شبکه‌های قوی و پرنفوذی در خارج از کشور وجود دارد که می‌شود از آنها بهره برد. روحانیون زیادی را داریم که علاقه مند به انقلاب هستند و می‌توانیم از آنها استفاده کنیم. علاوه بر این، ظرفیت‌های فراوانی در سیستم دیپلماسی و همین‌طور سیستم تبلیغی سازمان فرهنگ و ارتباطات ما وجود دارد که باید از آن بهره ببریم. با مدیریت جهادی می‌توان این نامه را جهانی کرد.

فرهنگ پویا: از شما به خاطر حضور در این مصاحبه تشکر می‌کنیم.

من هم برای شما دست‌اندرکاران نشریه فرهنگ پویا آرزوی توفیق دارم.